



یادداشت



دکتر علیرضا رحیمی  
هیئت علمی دانشگاه جامع  
امام حسین (ع)



## اغتشاشات در ایران؛ پروژه فرصت ساز برای انحراف افکار عمومے از افول آمریکایے

اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ در ایران باعث شد تا بار دیگر دشمنان جمهوری اسلامی به این خیال بیافتند که می شود این نظام را سرنگون کرد. اما با گذشت زمان آنچه برای همگان واضح شد اشتباه محاسباتی دشمنان در رابطه با ایران بود. آمریکا که خود در این سال ها با پدیده افول اقتصادی و سیاسی در عرصه های بین الملل درگیر است می خواست تا با این اغتشاشات حواس ها را از خود به سوی دیگری پرت کند. خروج آمریکا از افغانستان در تابستان ۱۴۰۰ و شکست های راهبردی در سوریه، لبنان و باقی سیاست های منطقه ای آمریکا همگی نشانگر اشتباهات محاسباتی دشمنان است.

افول آمریکا، موضوعی است که نه تنها صاحب نظران غیر آمریکایی، بلکه اندیشمندان آمریکایی همچون فرید زکریا، آلفرد مک کوی و حتی نوام چامسکی نیز بدان اذعان دارند. اگر ۱۹۹۱ را لحظه تک قطبی آمریکایی بدانیم، قطعاً ۲۰۰۸ و بحران اقتصادی را -که آمریکا را در نوردید- باید به عنوان نقطه عطفی در شروع فرآیند افول آمریکا قلمداد کرد. همان طور که بررسی اسناد امنیت ملی آمریکا نشان می دهد، چین، روسیه و ایران، به عنوان سه چالش اصلی برای آمریکا معرفی شده اند. در این میان، ایران به عنوان کشوری که خواهان تغییر وضع موجود بوده و نظم مستقر بین المللی را بر نمی تابد، قطعاً تهدید فوریت دار برای آمریکایی خواهد بود که مدعی قدرت مسلط و برتر در نظم کنونی بین المللی است.

استراتژی مهار آمریکا در خصوص این سه کشور بر پایه بهره گیری از نیروهای نیابتی، بنیان نهاده شده است؛ به این صورت که اوکراین به نیابت از آمریکا، در حال حاضر و وظیفه مهار و درگیر کردن روسیه را بر عهده گرفته است که البته برخی از کشورهای اروپایی نیز در این پروژه به اوکراین یاری می رسانند. چین قرار است که توسط کشورهای چون ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و تاحودی هند درگیر شود. البته مشغول سازی چین در تایوان نیز جزء برنامه های آمریکا برای این کشور قلمداد می شود، اما استراتژی مهار ایران توسط آمریکا، دارای دو بعد اساسی است. در بعد خارجی وظیفه تقابل با ایران به عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، و گذار شده است. در حقیقت، این دو رژیم به نیابت از آمریکا، وظیفه درگیر سازی و مشغول کردن ایران در منطقه را بر عهده دارند؛ اما در بعد داخلی، استراتژی مهار آمریکا در قبال ایران، شامل راه اندازی آشوب،

اغتشاش و درگیر کردن ایران در بحران های امنیتی داخلی است. رصد تحولات بین المللی، صحت پروژه آمریکایی فوق را اثبات می نماید. آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین در بخش های شرقی، جنوبی و شمالی این کشور با هدف حفاظت از مناطق شرق در برابر ملی گرایان افراطی اوکراینی مورد حمایت غرب، در واکنش به گسترش ناتو به شرق و برای تأمین امنیت مرزهای غربی روسیه به عنوان بخشی از پروژه درگیر سازی روسیه تعبیر می شود. از طرفی حساس کردن چین نسبت به تایوان و سفر نانسی پلوسی به این منطقه رانیز می توان به عنوان بخش دیگری از سیاست آمریکایی ها در مشغول سازی چین تعبیر کرد؛ اما در خصوص ایران، همان طور که اشاره شد، آمریکا قصد دارد تا با درگیر کردن ایران در داخل مرزهای خود، افکار عمومی را نسبت به افول آمریکا، دچار فراموشی نماید. برای اشاره دقیق تر به پروژه ناامن سازی ایران در دو بعد داخلی و خارجی، می توان به این موارد اشاره کرد: ژنرال «کنت مکزی» فرمانده سابق ستکام در جلسه ۳۱ فروردین ۱۴۰۱، استماع کمیته خدمات دفاعی مجلس نمایندگان آمریکا گفته بود: «برای اولین بار بعد از جنگ کره، ما بدون برتری کامل هوایی در حال انجام مأموریت در منطقه هستیم. از این جهت ستکام اقدامات ضد پهپادی را مهم ترین اولویت خود قرار داده است». «کین»، یکی از سناتورهای پرسیده بود با ایران می خواهید چه کنید و او بدون تأمل گفته بود: «حمایت از دموکراسی خواهان» و بعد در توضیح گفته بود که ایران را نمی توان از طریق اقدامات خارج از مرزها کنترل کرد، اما در داخل ایران، نیروهایی وجود دارند که می توانند آن را دچار تلاطم کنند و به داخل مشغول نمایند. علاوه بر آن بر اساس لایحه ای که

سازی ایران در این پروژه، سرپوشی بر افول آمریکا در عرصه بین‌الملل گذاشته و افکار عمومی را به انحراف بکشاند؛ اما آنچه امروز با گذشت تقریباً هفت ماه از شروع ناآرامی‌ها در ایران، قابل مشاهده است، فروکش کردن آن و عزم جدی ایران برای تأثیرگذاری بر روندهای مهم منطقه‌ای و بین‌المللی است.

به‌طور مختصر، «قانون دفاع» خوانده شد و توسط سناتور جمهوری خواه «جوننی ارنست» ارائه گردید، حداکثر ۱۸۰ روز پس از تاریخ تصویب این قانون، وزیر دفاع باید استراتژی همکاری با کشورهای وابسته به آمریکا در منطقه شامل اردن، مصر، عربستان، امارات، بحرین و رژیم صهیونیستی را به‌منظور مجهز شدن به یک قابلیت دفاع هوایی و موشکی یکپارچه برای محافظت از قلمرو و این کشورها به کمیته دفاعی کنگره ارائه دهد. این قانون مورد حمایت گروه دو حزبی موسوم به «مجمع نمایندگان توافقات ابراهیم» قرار گرفت. کمتر از دو ماه پس از اظهارات مکزی در جلسه استماع مجلس نمایندگان آمریکا و دو هفته پس از تصویب «قانون دفاع» در کنگره آمریکا، جلسه‌ای با محوریت سازمان سیا در لندن برگزار شد و در آن، مقامات احزاب کردی مخالف جمهوری اسلامی برای انجام اقدامات تروریستی در غرب ایران - استان‌های کردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاه - میثاق بستند و چند روز بعد، از مبدأ سلیمانیه، تحرکات مرزی علیه ایران شروع شد. همان‌طور که مقام معظم رهبری در دیدار با دانش‌آموزان در ۱۱ آبان ماه ۱۴۰۱ بیان فرمودند، آمریکادارای خطای محاسباتی شده است. این خطای محاسباتی در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ با لشکرکشی به افغانستان و عراق، نمود پیدا کرد که در نهایت به خروج مفتضحانه از این دو کشور منجر شد. شکست آمریکا در سوریه و لبنان نیز به‌عنوان نمونه‌های دیگری از شکست آمریکایی‌ها، مورد اشاره رهبر انقلاب قرار گرفت. این اشتباه محاسباتی در مورد ایران نیز تکرار شد، به‌طوری‌که آمریکایی‌ها گمان می‌کردند با شعله‌ور شدن ناامنی و اغتشاش در ایران، می‌توانند با درگیری

